

در خبرها آمده بود که ایران پیوستن به اتحادیه عرب را درخواست کرده است، بی آنکه روشن شود چرا و به چه دلیل. پیش از هر چیز، بگویم که اتحادیه عرب نهادی اقتصادی نیست؛ سازمانی برای همکاریهای منطقه‌ای نیست؛ وجه تشابهی با شورای همکاری خلیج فارس، اکو، آسه آن، اتحادیه اروپا و چون اینها ندارد؛ تشکلی است صرفاً بر پایه هویت عربی.

اتحادیه عرب به دنبال جنبش پان عربیسم آغاز شده در دوران جنگ جهانی اول پدید آمد و در هنگامه پان عربیسم عبدالناصری، خودنمایی سیاسی را آغاز کرد و هدفش ایجاد وحدت عربی، وطن یکپارچه عربی و حکومت واحد عربی اعلام شد؛ چیزهایی که نه تنها تاکنون تحقق نیافته است، بلکه امروز بی بنیادتر و بی معنا تر از همیشه به نظر می آید. در سایه این شعارها، دشمنی با هویت‌های غیر عربی در منطقه یا گرفت و در کنار اسرائیل، بر ایران متمرکز شد. نکته جالب تر اینکه رفته رفته این دشمنی، کمتر با اسرائیل و بیشتر با ایران نمود یافته است؛ تا آنجا که برخی از عربان ایران را «بدتر از اسرائیل» خوانده اند!

دیدیم که در جریان تجاوز شرم آور عراق به ایران و جنگ خونبار و ویرانگری که هشت سال به ما تحمیل شد، عربان از دور و نزدیک چگونه در کنار متجاوز ایستادند و هر يك به گونه‌ای یاری و همراهی اش کردند. نمونه تازه تر، رفتار سران کشورهای عرب بود که دو سال پیش برای محکوم کردن اسرائیل و بررسی راههای رویارویی با آن گرد آمدند ولی در بیانیه پایانی نشست، در يك بند اسرائیل و در سه بند ایران را محکوم کردند!

گفتنی است که در جهان هیچ اتحادیه‌ای وجود ندارد که صرفاً بر پایه هویت گرایي شکل گرفته باشد، جز اتحادیه عرب؛ و تاکنون سابقه نداشته است که کشوری غیر عرب در این تشکیلات عضویت یافته باشد (به صورت ناظر یا به هر عنوان دیگر). شاید شگفت‌انگیز بودن درخواست ایران را با این فرض بهتر بتوان نشان داد که ایران و افغانستان و تاجیکستان اتحادیه فارس‌ها تشکیل دهند و مصر یا کشور عربی دیگری خواهان پیوستن به آن شود. ممکن است کسانی بیندارند که طرح این درخواست انگیزه‌های

اسلامی دارد؛ ولی نمی تواند چنین باشد زیرا ایران نه تنها از اعضای فعال سازمان کنفرانس اسلامی است، بلکه از پایه گذاران آن بوده است. برخی می گویند که از این راه، ایران شاید بتواند بر تصمیمات اتحادیه عرب اثر بگذارد. از اینان باید پرسید: ایران بر چه تصمیم‌هایی می خواهد اثر بگذارد؟ تصمیم‌های اتحادیه عرب نه اقتصادی است، نه فرهنگی و نه به معنای واقعی کلمه سیاسی؛ بلکه بیشتر موضع‌گیری‌هایی است بر پایه ناسیونالیسم افراطی و تعصب قومی، مانند صدور قطعنامه‌های نستجیده در پشتیبانی از ادعاهای امارات متحده عربی نسبت به جزایر ایرانی.

بدین ترتیب، اطمینان داشته باشیم که اگر ایران حتی ریاست اتحادیه عرب را هم به دست آورد، عربان کار خود را خواهند کرد. چه ساده‌انگارند آنان که با دیدن واکنش مثبت یکی دو نفر چون عمر و موسی شخصیت با تجربه مصری و رئیس اتحادیه عرب به درخواست ایران، شاد می شوند و آن را نشانه سیاستهای پایدار اتحادیه عرب و کشورهای عرب در آینده می گیرند. فراموش نکنیم که پیش از او، دبیر کل اتحادیه عرب چگونه دست در دست صدام حسین و شیخ ابوظبی داشت و چگونه جنجالهای ضد ایرانی را دامن می زد.

از اینها بگذریم. ایران هویتی روشن و مستقل دارد که در گذر قرون و اعصار پایدار مانده است و در جهان امروز همچنان بارز و مایه سرفرازی باشندگان این مرز و بوم است. ایران اسلام را با آغوش باز پذیرفت، تشیع را برگزید و گسترش داد، در شکوفایی تمدن و فرهنگ اسلامی نقشی برجسته بازی کرد و حتی زبان عربی را سامان بخشید، ولی هرگز تسلیم هویت عربی نشد و نگذاشت که عربان به بهانه اسلام، غیر عربان در شرق جهان اسلام را برای همیشه به بند استعمار و استثمار خود کشند.

از سوی دیگر، اتحادیه عرب امروز بیش از هر زمان دیگر، ناتوان و سرگردان و گرفتار چنددستگی است. کشمکشها و درگیریهای سیاسی اعضای اتحادیه با یکدیگر بسی بیشتر و گسترده تر از دوران پیش از شکل گیری اتحادیه است و کار به جایی رسیده که برخی دولتهای عربی بویژه در شمال آفریقا، از

داستان پیوستن ایران به اتحادیه عرب، از هنگامی که به زبان سخنگوی وزارت امور خارجه آمده، واکنشهایی در جامعه برانگیخته و بطور کلی موضع صاحب‌نظران خارج از حاکمیت و کسانی که بیشتر بر محور منافع ملی به تحلیل مسائل می‌پردازند، به گونه چشمگیر مخالفت‌آمیز بوده است.

در جهان سیاست، وابستگی یا نوابستگی کشوری به اتحادیه‌های گوناگون منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، توجهات خاص خود را دارد و متنگی به پاسخهای سنجیده و قانع‌کننده‌ای است که به پرسشهای اساسی داده می‌شود، از جمله اینکه پیوستن به یک گروه یا اتحادیه، چه سودها و چه زیانهایی می‌تواند برای کشور داشته باشد؟ اینکه آیا کشور درخواست کننده، از بُعد هویت ملی با اعضای اتحادیه همخوان است یا نه و هدفها و سیاستهای مستقل ملی‌اش تا چه اندازه با هدفها و سیاستهای اتحادیه مورد نظر هماهنگی و همسویی دارد؟ آن اتحادیه از آغاز کارش تا امروز تا چه اندازه کارساز و اثرگذار بوده است؟ آیا موضع‌گیری‌هایش در موارد گوناگون در راستای منافع و سیاستهای بلندمدت کشور درخواست کننده عضویت بوده است یا نه؟ آیا هیچ‌گاه موضعی مغایر منافع و مصالح کشور در خواست کننده داشته است؟ و بالاخره اینکه در شرایط کنونی چه ضرورت‌هایی پیوستن به آن اتحادیه را در چارچوب منافع و مصالح ملی توجیه‌پذیر می‌سازد؟

اتحادیه عرب در ۲۲ مارس ۱۹۴۵، در شرایطی شکل گرفت که میان کشورهای پایه گذارش چون مصر، عراق، سوریه، اردن و عربستان اختلافهای ریشه‌ای وجود داشت؛ طرح سوریه بزرگ عنوان شده بود؛ عراق نسبت به سوریه حساسیت بسیار داشت؛ فرمانروایان عربستان با خاندان هاشمی در کشمکش بودند؛ مصر خود را برتر از دیگران می‌دید و... سرانجام اتحادیه با حضور چند کشور عمده عرب یعنی مصر، عراق، سوریه، اردن هاشمی، عربستان و یمن تشکیل شد و نخستین موضع‌گیری مهم آن پس از ۱۹۴۷، در برابر با گرفتن اسرائیل بود.

از آغاز، مصر و عراق بر سر مقر اتحادیه رقابت داشتند تا پس از بگومگوهای بسیار، جای آن در قاهره تعیین شد و رفت‌ورفته با استقلال یافتن کشورهای عرب یا عرب‌زبان، شمار اعضای اتحادیه فزونی گرفت.

اتحادیه عرب با آنکه از لحاظ شمار اعضاء اتحادیه بزرگی است، در عمل نتوانسته است جز صدور چند قطعنامه در مورد تجاوزگری‌های اسرائیل دست به اقدامی مؤثر بزند. در واقع، آن را باید تشکلی به‌شمار آورد که عضویت در آن برای برخی از کشورهای عرب یا عرب‌زبان جنبه حیثیتی دارد و همواره اهرمی بوده است در دست دولت مصر تا اعتبارش را در میان آن کشورها تثبیت کند. این اتحادیه در برابر تجاوزات و ستمهای اسرائیل نسبت به فلسطینی‌ها و حتی در قبال اشغال بخشی از خاک سوریه در جولان

کناره‌گیری از اتحادیه عرب سخن می‌گویند. اتحادیه عرب، مصر را پس از صلح با اسرائیل اخراج کرد و پس از ده سال، بی‌آنکه تغییری در سیاستهای دولت مصر پدید آمده باشد، دوباره آن کشور را پذیرفت و حتی دبیرخانه‌اش را به قاهره منتقل کرد؛ اما وقتی اردن با اسرائیل از در صلح درآمد و روابط امان و تل‌آویو برقرار شد، حتی زحمت دو روز اخراج اردن را به خود نداد. قطر، عضو دیگر اتحادیه عرب، نخست‌وزیر اسرائیل (اسحاق رابین) را به خلیج فارس دعوت کرد و اکنون برای برقراری روابط سیاسی با اسرائیل زمینه‌سازی می‌کند. واکنش اتحادیه عرب به این رفتار چه بوده است؟ آن را با موضع‌گیری‌های اتحادیه در دوران جنگ تحمیلی هشت ساله در برابر ایران و پشتیبانی اعضای آن از رژیم متجاوز بعثی مقایسه کنید.

واقعیت این است که اتحادیه عرب و سیاستهای درونی آن به‌صورت باتلاقی پنجاه ساله و دست و پاگیر برای بسیاری از دولتهای عرب در آمده که استقلال رأی ملی آنها را با علامت سؤال روبه‌رو کرده است و چنان که گفته شد برخی از آنها ز مزمه خروج از این اتحادیه را آغاز کرده‌اند.

شاید کسانی نگران صدور قطعنامه‌های این اتحادیه بر ضد ایران در مورد جزایر ایرانی تنب بزرگ و تنب کوچک و ابوموسی و دیگر مسائل باشند. از ایشان می‌پرسیم دهها قطعنامه با محتوای ضد ایرانی که تاکنون از سوی اتحادیه عرب صادر شده چه اثری داشته است که از این پس نگران باشیم؟

نکته آخر این که ملت‌های عرب، مانند همه ملت‌ها و اقوام، در چشم ما گرمی و شایسته احترامند و چه بسا عضویت در اتحادیه عرب برای ایشان بسیار ارزشمند باشد، اما ما ایرانی هستیم و می‌خواهیم ایرانی بمانیم. ما به هویت و شخصیت ایرانی خود پایبندیم و بدان می‌بالیم. ایرانیان را با نژادپرستی و تعصبات قومی کاری نیست. ایران همواره جامعه‌ای چند قومی بوده و در عمل نشان داده است که تحمل دیگر تیره‌ها و قومیت‌ها را دارد؛ از همین روست که برخلاف گسترش گرایشهای تند و ضد خارجی مانند پان‌عربیسم و پان‌ترکیسم در برخی کشورها، پان‌ایرانیسم هرگز در ایران رونق نداشته و ایرانیان جهان‌بین و جهان‌گرا از ندگی کرده‌اند.

انتظار این بود که وزارت امور خارجه پیش از طرح درخواست یاد شده، این موضوع را برای بررسی همه‌جانبه با طیف گسترده‌ای از صاحب‌نظران و کارشناسان و همچنین نهادهای صالح و ذریع از جمله مجلس شورای اسلامی در میان می‌نهاد؛ زیرا بی‌گمان هر مسئله‌ای که مستقیماً به هویت و شخصیت ملی، موجودیت، تمامیت ارضی و سرنوشت نظام مربوط شود، تنها بر پایه تصویب ملی قابل پیگیری است.

پیروز مجتهدزاده



توانسته است موضعی کارساز بگیرد و زمینه اقدامات مؤثر و هماهنگ کشورهای عضو فراهم آورد. بویژه از زمان برقراری صلح میان مصر و اسرائیل، سرگشتگی و ناکارایی این اتحادیه در برابر اسرائیل بیشتر شده است.

با توجه به آنچه گفته شد، درمی یابیم که اتحادیه عرب هیچ گاه در قَد و قوراهای نبوده است که قدرتهای جهانی آنرا در معادلات بین المللی و حتی در سطح خاورمیانه چندان به حساب آورند. این اتحادیه در سایه رقابت و اختلاف نظر اعضای اصلی اش تاکنون حتی موفق به تهیه طرحی مستقل یا گزینش طرحی از میان طرحهای گوناگون عرضه شده برای صلح اعراب و اسرائیل نشده است.

حال پرسش این است که پیوستن ایران به عنوان عضو ناظر به این اتحادیه، آنهم با درخواست ایران و نه پیشنهاد اتحادیه، چه سودی می تواند برای میهن ما داشته باشد. تلاش کشورها برای پیوستن به اتحادیههایی چون اتحادیه اروپا، سازمان پیمان آتلانتیک شمالی، آسه آن و... همه توجیه خاص خود را دارد و منافعی برای کشورهای درخواست کننده عضویت به بار می آورد، ولی پیوستن به اتحادیه عرب که صرفاً بر پایه هویت عربی اعضای استوار است، چه سودی برای ایران دارد؟

در اینجا بی مناسبت نیست به چند مورد از موضع گیری های این اتحادیه در برابر ایران اشاره شود:

۱- اتحادیه عرب در همه قطعنامه هایش، هر جا سخن از خلیج فارس به میان آمده، از سر تعصب و دشمنی با ایران نام معمول و استعمار ساخته، یا نام نامشخص و بی معنی خلیج را به کار گرفته و برخلاف همه ضوابط عملی و حقوقی پذیرفته شده در سطح جهان در مورد نامهای جغرافیایی، از به کار بردن نام کهن، اصیل و ثبت شده در کنوانسیونهای بین المللی، یعنی «خلیج فارس»، خودداری کرده است.

۲- ادعاهای و شعارهای تند عبدالناصر بعنوان مهم ترین پرچمدار پان عربیسم درباره ایران در دوره ای نزدیک به بیست سال و از جمله این گفته اش: «صبحانه در تل آویو و شام در تهران» را از یاد نبریم و امیدواریم گروهی نخواهند این دشمنی را تنها به رژیم شاه نسبت دهند و مدعی شوند که هدف عبدالناصر فقط رها ساختن ایران از سلطه شاه بوده است.

۳- از زمان شکل گیری امارات متحده عربی، بر اساس طرح انگلستان، اتحادیه عرب بارها در نشستهای خود از ادعای نامعقول و بی پایه امارات نسبت به جزایر سه گانه ابوموسی، تنب کوچک و تنب بزرگ پشتیبانی همه جانبه کرده و هر چه روابط ایران با مصر و عربستان و عراق بعنوان سه کشور نیرومند اتحادیه تیره تر بوده، بیشتر بر ایران فشار آورده است.

۴- در جریان تجاوز دهنمنشانه عراق به ایران، اعضای مؤثر اتحادیه عرب در منطقه خاورمیانه، به صورت یکپارچه (جز

بندبازیهای یک یا دو کشور) عراق را از جهات گوناگون همراهی و حمایت کردند. گذشته از پشتیبانی سیاسی و تبلیغاتی، کمکهای مالی عربستان، کویت، امارات و دیگران به رژیم صدام حسین چنان هنگفت بود که عراق بی آن کمکها هیچ گاه نمی توانست بار جنگ ویرانگر هشت ساله را به دوش کشد.

در سراسر دوران جنگ تحمیلی به ایران، اتحادیه عرب نه تنها تجاوز عضو سرور خود را محکوم نکرد، بلکه بارها ایران را مورد حمله قرار داد.

۵- از هنگام برپا شدن جمهوری اسلامی، رفتار شماری از اعضای اتحادیه عرب در اوپک در بایمال کردن حقوق و منافع ایران، چیزی نیست که نادیده انگاشته شود. از یاد نبریم که در طول بیست و پنج سال، تنها به علت مخالفت کشورهای عرب عضو، ایران نتوانسته است به حق خود برسد و نماینده اش به دبیر کلی اوپک دست یابد.

چه خوب بود که مسئولان محترم در وزارت امور خارجه به گونه روشن دلایل درخواست پیوستن ایران به اتحادیه عرب را تشریح و اعلام می فرمودند که این پیشنهاد مهم و حساس را چه کسانی یا چه گروههای کارشناسی مطرح کرده اند و پیش از عنوان شدن، از سوی چه مراجع و نهادهایی مورد بررسی و تصویب قرار گرفته است. بدیهی است چنانچه موضوع عضویت ایران در اتحادیه ای در حوزه خلیج فارس در میان می بود، قضیه رنگ دیگری به خود می گرفت و تا اندازه ای توجیه پذیر می نمود زیرا اگر دامن همه کشورهای واقع در دو سوی خلیج فارس در یک اتحادیه یا شورای همکاری می تواند زمینه ساز روابط نزدیک و بی تنش میان آنها و بستر مناسبی برای تفاهم و همکاری در پاکسازی این آبراه استراتژیک از نیروهای بیگانه باشد و لزوم تلاش در راه تبدیل کردن خلیج فارس به آبراه صلح و دوستی، کاستن از آلودگیهای آن، پدید آوردن فضا و شرایط مناسب برای توسعه پایدار همه کشورهای ساحلی، ایجاد ذهنیتی که از مسابقات تسلیحاتی به پشتوانه درآمدهای نفتی در این منطقه بکاهد و... انکار ناشدنی است. اما وقتی می بینیم چند شیخ نشین و کشور کوچک عرب، حتی به بهای از دست رفتن منافع خودشان از ما کناره می گیرند، چگونه عزم خود را برای حضور در اتحادیه ای بزرگتر چون اتحادیه عرب جزم کرده ایم؟ ما اگر نتوانیم با شش عضو عرب شورای همکاری خلیج فارس به تفاهم برسیم، بی گمان در اتحادیه عرب، آنهم بعنوان عضو ناظر، نخواهیم توانست کوچکترین نقشی در راستای منافع ملی خود بازی کنیم و بپذیریم که آنها در زمینه مسائل کلان سیاسی با ما رودر بایستی نخواهند داشت.

نادرست دانستن تلاش برای عضویت در اتحادیه عرب، مطلقاً بدان معنی نیست که نباید در جهت افزایش دوستی و همکاری با کشورهای عرب منطقه کوشید؛ برعکس، باید با بهره گرفتن از همه امکانات، مایه های تنش و پراکندگی را از میان برداشت و روابطی هر چه نزدیکتر با آنها برقرار کرد زیرا تنها در پرتو چنین شرایطی

و این همسایگان بتوانند به راحتی از مسیر ایران به دریای آزاد دسترسی پیدا کنند؛ و اگر از محل صندوق ذخایر ارزی اعتبارهایی برای سرمایه‌گذاری در آن کشورها و خرید مواد مورد نیازشان از ایران در نظر بگیریم، بی‌گمان خواهیم توانست توجه دیگر کشورهای عضو اکورا نیز به خود جلب کنیم. برای برداشتن گامهای بلند و استوار در این راستا، به اراده‌ای راسخ و مدیریتی توانا نیازمندیم؛ چرا که زمینه لازم، در پرتوی پیوندهای مشترک تاریخی و فرهنگی آن همسایگان و ایران فراهم است. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، چه بسیار فرصتهای طلایی که از دست داده‌ایم؛ به خود آییم و تا بیش از این از روسیه و ترکیه و پاکستان عقب نمانده‌ایم، حوزه فرهنگ ایرانی را بار دیگر پویا سازیم. در این باره، باز هم سخن خواهیم گفت.

پرویز ورجاوند

است که فرصت و بهانه حضور از سلطه‌گران بیگانه گرفته می‌شود و درآمدهای چشمگیر منطقه در راه توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی به جریان می‌افتد.

به باور من، ایران به پشتوانه موقع جغرافیایی ممتازش، به جای چشم دوختن به عضویت اتحادیه عرب، بهتر است با برنامه‌ریزی سنجیده در پی تقویت اکو باشد تا این سازمان از ناکارایی کنونی رها و به سازمانی پویا و اثرگذار تبدیل شود؛ باید شرایطی پدید آورد که هند نیز به اکو بپیوندد؛ با قدرت بخشیدن به اکو، باید در مسیری گام برداشت که چینی‌ها هم احساس کنند نزدیک شدن به این سازمان به سود آنهاست. برای توانا و پویا ساختن اکوراههای گوناگون وجود دارد، از جمله گسترش روابط اقتصادی- فرهنگی میان ایران، افغانستان، تاجیکستان، ازبکستان و ترکمنستان. اگر بتوان نخستین گام، جاده‌ها، راه آهن و خطوط هوایی میان پنج کشور ساماندهی شود

### عوامل تأثیرگذار خارجی در خلیج فارس

محمد علی امامی  
انتشارات وزارت امور خارجه  
بها ۱۴۰۰ تومان



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



### کتابخانه فرهنگی ایران ۱۹۲۱-۱۸۳۷

هماناطق

با مقدمه: فریدون آدمیت

مؤسسه انتشارات معاصر پژوهان

بها ۲۷۹۰ تومان